



عکس: سناز صفائی شهرآرا

گفت‌وگو با راضیه اعتصامی که فرآوری چرم را از خانه‌اش شروع کرد
و سرانجام کالاهایش به کشورهای دیگر رسیدند

از تولید در کنج خانه تا صادرات به آن سوی دنیا

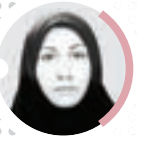
۸۴
شهر بانو
۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۶۵ | روزنامه شهرآرا
۱۴۰۰ ۱۰ ۰۶
۲شنبه

یک دست صداندارد

مشارکت‌جویی در تشکلهای داوطلبانه
مسیری امن برای کنشگری زنان است

مسئولیت اجتماعی حق زن است

نشست تخصصی مینا با موضوع «مادری، همسری
یا مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری رهبر معظم
انقلاب» برگزار شد



شب‌نم کرمی
روزنامه‌نگار

(آفاق)

دختران نوجوان امروزی؛

آنچه می‌پوشند - آنچه نمی‌پوشند!

لباس و پوشش نخستین گام در مسیر توسعه تمدن بشر است. در پس به وجود آمدن تمدن، پوشش افراد نیز متناسب با شرایط و موقعیت‌های جنسیتی، زمانی، مکانی، عرفی و اعتقادی، دچار رشد و تحول شد تا آنجا که اکنون لباس به عنوان یک شاخص مهم، بخشی از ویژگی‌های معرفی شخصیت و جایگاه اجتماعی و حتی شغلی افراد به حساب می‌آید.

از آنجا که نوجوانان در دوره رشد و تحول هستند، در درجه نخست، نوع پوشش آن‌ها نشان‌دهنده تصورشان از خود و جودی‌شان است. به همین دلیل، مدل پوشاک و لباس اهمیت بیشتری برای آنان پیدا می‌کند. علاوه بر این، نوجوانان می‌آموزند شیوه لباس پوشیدن نقش مهمی در روابط اجتماعی و اینکه از سوی دیگران چگونه ارزیابی قرار می‌شوند ایفا می‌کند. اما لباس، آراستگی ظاهر و هم‌رنگ شدن با هم‌سالان از عواملی است که مانع به وجود آمدن احساس نبود تناسب با جامعه در نوجوان می‌شود.

از سوی دیگر، روحیه سرکش نوجوانان امروزی سبب شده است این نسل زود تسلیم نشود و بسیاری اوقات لباس برای جوان و نوجوان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اگر همه چیز نباشد، مسئله‌ای بسیار مهم است. گاهی چه بسا خودنمایی‌ها و حد و مرز گذاشتن‌هایشان در روابط دوستانه یا سبک لباس پوشیدن و آرایش‌های عجیب‌شان شکل می‌گیرد. این ظاهرنمایی‌های پررنگ و لعاب موضوع را به عنوان یک معضل اجتماعی به رخمان می‌کشد. هرچند بسیاری اوقات وقتی آن‌ها را با ظاهری متفاوت می‌بینیم موضوع را به حساب اقتضائات سن‌شان می‌گذاریم، ناخودآگاه با دیدگاه‌های سنتی جاافتاده در ذهنمان، به تجزیه و تحلیل رفتار این قشر به عنوان اعجوبه‌های عصر جدید می‌پردازیم و نیز گاهی سر تأسف تکان می‌دهیم. برخلاف نسل دهه‌های ۵۰ و ۶۰، هفتادی‌ها و هشتادی‌های امروز لباس رسمی و رنگ‌های عرف را نمی‌پسندند. این یعنی برخلاف جوان دهه ۶۰ که سراسر دوره جوانی‌اش را در سرکوب شدن‌های اینجا و آنجا برای داشتن نظری مستقل خرج می‌کرد، این بچه‌ها اکنون به خوبی می‌دانند چه می‌خواهند و چه‌طور باید آن را به دست بیاورند. اما این رویه در قالب افسارگسیخته‌اش می‌تواند مسائلی دامنه‌دار به‌ویژه برای دختران در پی داشته باشد.

لباس‌های اسلش که قد و اندازه‌ای بزرگ‌تر از حد معمول دارند، تونیک‌های گشاد و بلندی که برخی مواقع تا روی می‌رسند به همراه کفش‌های اسپرت، نمونه لباس‌های مورد علاقه برخی دختران نوجوان این روزگار است. در حقیقت، دختران نسل امروز تلاش می‌کنند از پذیرش قانون سر باز زنند و آنچه به آن‌ها احساس راحتی و رهایی می‌دهد انتخاب کنند.

برخلاف دوران نوجوانی ما که موی بلند و پیراهن‌های پرنسسی و کفش‌های پاشنه‌بلند آرزوی بسیاری از دختران بود، امروز کمتر دختر نوجوانی را می‌توانید وادار به پوشیدن لباس رسمی مجلسی یا دامن کنید. دختران به زیورآلات رسمی و هنرهای زنانه مانند خیاطی و بافتنی علاقه‌ای ندارند. به‌فراوانی دخترانی را می‌بینیم که از اندام زنانه‌شان پس از رسیدن به بلوغ جسمی شرم دارند و با پوشیدن مثلاً هودی‌های گشاد، سعی در مخفی کردن اصل وجودی خود دارند یا موهایشان را به شیوه پسرانه کوتاه می‌کنند.

این نوع تحول در پوشش و علاقه‌مندی‌های دختران شاید برخلاف مدل خودنمایانه آن، که در کوچه و خیابان می‌بینیم، بسیار زیرپوستی و آرام رخ داده و جامعه را چندان حساس نکرده باشد اما پیامدهای زیان‌بارتری در بلندمدت به دنبال دارد. همان‌گونه که پیش‌تر یادآوری کردیم، لباس موضوعی دوسویه از نظر شخصیتی است که هم نشان‌دهنده سطح اجتماعی و تفکر افراد است و هم بر شکل‌گیری شخصیت انسان بسیار اثر می‌گذارد. تمرکز مطلق بر گزینه «راحتی» بدون در نظر گرفتن سایر ملزومات در انتخاب پوشش و نیز سرگرمی‌ها، مهارت‌ها و احساسات از سوی دختران می‌تواند در آینده، بسیاری از شاخصه‌های دخترانگی و سپس زنانگی و مادرانگی آن‌ها را متأثر کند و بر نسل‌زایی و تربیت جامعه آینده تأثیراتی منفی بر جای گذارد زیرا یک دختر برای همسر و مادر شدن ابتدا نیازمند زن بودن با ویژگی‌های خاص مسئولیت‌پذیری، تعهد، فداکاری، وفاداری، آراستگی و شایستگی است که به شکل طبیعی و فطری، با راحتی و آسایش تام در تضاد مطلق است. از این رو، پیش از بروز فاجعه، از اکنون باید به فرهنگ‌سازی مهارت‌های سبک زندگی دخترانه برای دختران این نسل، همتی جدی گمارد.



شهربانو

۲۳ شهریور
۶ دی ۱۴۰۰
۲۳ شهریور ۱۴۴۲ شماره ۲۳

(۲)



مریم مختاری
فعال فرهنگی

(پرتو)

زندگی خانوادگی را تمرین کنیم

زندگی‌تان، خانواده و حتی جامعه است. لطفاً بهانه نیارید که مشغله‌تان زیاد است یا مسئولیت بیش از اندازه دارید و فرصت‌تان کم است چون زندگی و تشکیل خانواده در اولویت است. به خاطر داشته باشید همه تلاش‌های شما برای تشکیل و حفظ زندگی و بهبود کیفیت آن، مهم و اثرگذار است. با این دیدگاه، وقت و انرژی شما باید صرف چه کسانی شود؟ اول خودتان، بعد همسر و فرزندان‌تان و در یک کلام، صرف زندگی خانواده‌تان شود که مسلمانان تأثیر بسیار مهمی بر جامعه هم خواهند داشت. اگر برای تشکیل خانواده دچار سردرگمی شدید، با آدم‌های آگاه و دانا مشورت کنید. شاید ابتدا همه فکرها و احساسات و رفتارهای‌تان صددرصد درست نباشد، اما در مسیر حرکت، همیشه برای اصلاح کارها فرصت هست. ضمن اینکه برای موفقیت و آرامش در زندگی خانوادگی، همه افراد باید مهارت‌های لازم را فرا بگیرند و در موقع لزوم به کار بندند.

زندگی خانوادگی مانند یک بازی گروهی است و باید همه جوانب از دید همه افراد خانواده در نظر گرفته شود. باید حرف‌ها و پیشنهادها را همه را شنید. همه باید برای هم وقت بگذارند و به حرف‌های هم گوش کنند. در هر شرایطی افراد خانواده باید از هم سپاسگزار باشند و از هم تعریف کنند، چه در حضور چه در غیاب یکدیگر. هم‌چنین موفقیت در زندگی به تمرین و تلاش نیاز دارد. حتماً در اطرافتان خانوادگی‌هایی را دیده‌اید که موفق‌تر به نظر می‌رسند. آن‌ها به جای تک‌روی و شکایت از زمانه و بهانه‌جویی و ناسپاسی در برابر زندگی، در حال گذراندن یک زندگی خوب و رضایت‌بخش‌اند.

برای داشتن یک زندگی خانوادگی آرام و به جای گذاشتن خاطره‌های خوش، از هیچ تلاشی دریغ نکنید. زندگی لحظه‌های زودگذر تمام‌شونده است که با سرعت می‌گذرد. پس قدر بدانید و خوش باشید! منبع شادمانی، سرگرمی، لذت و موفقیت خانواده باشید تا دیگر افراد خانه هم مانند شما باشند. شاد زیستن را بیاموزید. یاد بگیرید که همه خوبی‌های جهان را ببینید و سراسر زندگی را غنیمت شمرد.

درون همه ما انسان‌ها الگویی از ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد که مبتنی بر اولین تجربه‌های خانواده خودمان است. امنیت داشتن یک رابطه خوب با همسر، فراهم آوردن بستری آرام و مساعد برای رشد فرزندان و داشتن یک حال خوب در ارتباط با دیگران، همگی، در ذات انسان نهادینه شده‌اند. کمتر کسی پیدا می‌شود که از تنها بودن و تشکیل ندادن خانواده و با نداشتن ارتباط اجتماعی خوشحال و راضی باشد.

زندگی خانوادگی و تشکیل خانواده ممکن است از دیدگاه برخی، در نگاه اول، چشم‌اندازی مبهم و هولناک داشته باشد، اما اگر درباره زندگی و تشکیل خانواده عمیق بیندیشیم، پی می‌بریم که هدیه‌ای به نام خانواده بسیار مغتنم و شادی‌بخش است. امروزه با جدیدترین وسایل و آخرین فناوری‌ها، یعنی انواع آسایشی که به نظر اجدادمان فقط برای توانگران بودند، احاطه شده‌ایم. با این حال، به جای نوشیدن و لذت بردن از نیمه پر لیوان، نیمه خالی آن را تماشا می‌کنیم و ناسپاسیم. زندگی خانوادگی دل‌نشین است و باید به مزه آن بیفزاییم. خانواده پدیده‌ای شگفت‌انگیز و ممتاز است. شاد بودن در کنار همسر و فرزندان را بیاموزید. یاد بگیرید همه خوبی‌های جهان را در خانواده ببینید و همه لحظه‌های زندگی را غنیمت بشمارید.

در هر مرحله از زندگی و برای هر حیطه‌ای از جمله تشکیل خانواده، باید برنامه داشت. برنامه‌ریزی یک انتخاب است تا با توجه به اهدافمان، در جریان اتفاقات روزگار، بیشترین تأثیر و تسلط را بر زندگی خود داشته باشیم. بدون برنامه‌ریزی هم زندگی می‌گذرد، کاری که متأسفانه بیشتر مردم انجام می‌دهند، ولی باید دانست بدون برنامه، همه انرژی و وقتتان را به علاج حوادث «بعد» از وقوع آن‌ها اختصاص خواهید داد. در این صورت کارتان می‌شود سر و سامان دادن به مشکلات و بحران‌هایی که اگر برنامه‌ریزی کرده بودید، اصلاً وجود نداشتند.

زندگی خانوادگی نیاز جدی به برنامه‌ریزی دارد. وقت را از دست ندهید. همین الان بهترین فرصت برای کمک به خودتان،



فاطمه سلیمی
عضو هیئت رئیسه
شورای شهر مشهد

یک دست صدا ندارد

مشارکت جویی در تشکل های داوطلبانه
مسیری امن برای کنشگری زنان است

توانایی هایی که شاید در خیلی از موقعیت ها به اندازه ای که باید به آن ها توجه نشد و فعالیت در این تشکل ها همان مسیری است که زنان با آزادی عمل بیشتری می توانند خود را به جامعه اثبات کنند. نکته مهم این است که اگر به فعالیت های داوطلبانه بانوان بها داده شود، این ظرفیت ها می تواند بر کوچک شدن مجموعه های دولتی مؤثر باشد. تشکل های زنان علاوه بر کمک به چرخه های اقتصادی، موجب می شود زن برای اثبات توانایی های خود به جامعه از همه ظرفیت خویش بهره گیرد و از این باب، موجبات رشد شخصی و اجتماعی را به با آورد.

➤ مدیریت شهری به سمن ها بیشتر توجه کند

سازمان های مردم نهاد که در دهه های اخیر به ویژه در کشورهای پیشرفته رشد چشمگیری داشته اند، در صورت تکامل، استقلال و شفافیت می توانند به حل بسیاری از چالش های جامعه باری رسانند اما زمانی می توان به تأثیر عملکرد سازمان های مردم نهاد در توانمندسازی جامعه امیدوارتر بود که کارکرد حقیقی این سازمان ها ایهام آمیز نباشد و سمن ها در مسیر فعالیت خود با چالش و محدودیت های عمده مواجه نشوند. برای رسیدن به این چشم انداز نیازمند تعامل، همیاری و هم سویی بیشتر دولت، شهروندان و نهادهای مردمی است.

تشکل های زنان در حوزه اشتغال و کارآفرینی، در حوزه رفع آسیب های اجتماعی، کمک به زنان زندانی و آزادسازی آنان و از این دست برخی انجمن هایی هستند که در شهر مشهد مقدس، این بستر معنوی که باید الگو باشد و تمدن ساز، که الزام توسعه بسترهای نقش آفرینی مؤثر برای زنان که پایه خانواده اند بیشتر از هر شهر دیگر ضرورت می یابد، رشد و توسعه یابند. مدیریت شهری با همراهی همه نهادهای پشتیبان در این امر باید ورود نمایند و با حمایت های لازم، صحنه نقش آفرینی تشکل های مردم نهاد با محوریت زنان را قدرتمند و پویا سازند.

➤ در دنیای امروز نقش پرمايه رویکردها و تشکل های صنفی تخصصی در ایجاد بسترهای موفقیت آمیز قابل توجه است. سازمان های مردم نهاد (سمن ها) با فعالیت هایی که انجام می دهند یکی از عوامل اصلی توسعه کشورها هستند. در حال حاضر و با توجه به شرایط امروزی، تحقق اهداف دولت در زمینه توسعه از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بدون مشارکت و همیاری آحاد جامعه به وجود نخواهد آمد. سازمان های مردم نهاد زاییده یک چنین نیازی برای مشارکت جامعه و دولت است. این سازمان ها از طریق همکاری مردم با هم و با دولت و بخش خصوصی در بسیاری از زمینه ها بستر ساز توسعه و رشد جامعه می باشند.

➤ مسیر امن را تقویت کنیم

به طور کلی مشارکت در تشکل های داوطلبانه مسیری امن برای زنان فعال محسوب می شود. آنان معتقدند از آنجا که ساختار سنتی جامعه ایران امکان دسترسی و کنترل زنان را به منابع، منافع و فرصت زندگی مدنی محدود ساخته است، تشکل ها یکی از روش های اصلاحی است که بر مبنای ایجاد زمینه هایی جهت دسترسی زنان به منابع و فرصت ها طراحی شده اند. بنابراین اجتماع سازمان یافته زنان در تشکل های داوطلبانه این امکان را به زنان می دهد تا ضمن دسترسی آسان به امکانات و فرصت ها از طریق تأثیرگذاری بر تغییر ساختارهای اجتماعی، به میزان قابل توجهی از کنترل منافع، منابع و فرصت های زندگی مدنی دست پیدا کنند.

➤ اهمیت فعالیت های بانوان در کوچک شدن دولت

امروز زنان در بیشتر بخش ها حضوری فعال دارند اما در برخی سطوح استفاده از آنان کمتر است و همین سبب گرایش بیش از پیش آنان به طرف تشکل های خودجوش و مردم نهاد شده است تا بتوانند با فعالیت های سازنده و مفید، ضمن برآورده ساختن بخشی از نیازهای جامعه، به سهم عمده ای از خواسته های درونی خود برسند،

داعش او را زنده زنده سوزاند

مادر شهید محمد سخندان از حس نوع دوستی و فداکاری فرزندش برای کمک به هموطنان بی بضاعت می گوید



می داد تا گویش آن ها را یاد بگیرد و سرانجام تیرماه سال ۹۴ به سوریه اعزام شد. پیش از اعزامش به سوریه، درباره مظلوم ترین شهید آنجا پرس و جو کرده و همه به او سید ذاکر را معرفی کرده بودند. در سوریه هم خستگی برایش معنا نداشت. حتی زمانی که از یک عملیات برمی گشت و متوجه می شد همزمانش می خواهند برای عملیات دیگری اقدام کنند، قید استراحت را می زد و با آن ها همراه می شد. نام جهادی اش را سید ذاکر حسینی انتخاب می کند زیرا داعش نمی توانست این شهید را بگیرد. به همین دلیل، او را با آتش محاصره می کنند و زنده زنده می سوزانند. محمد نیز به شهادت رسید و به همراه ۷ نفر از شهدای تیپ فاطمیون، در ایران در معراج شهدا به خاک سپرده شد.

بگوید و مادر از همان کودکی می دانست او با بقیه بچه ها متفاوت است. «محمد به نصب داربست مشغول بود و با وجود هوای گرم هم روزه اش را باز نمی کرد. هم چنین با وجود سن کم، به خانواده های بی بضاعت کمک می کرد. من جرئت نمی کردم از برخی مشکل ها جلو محمد صحبت کنم زیرا منقلب می شد و همه پولش را برای رفع آن مشکل می داد. حاضر بود از لذت های دنیایی بگذرد تا مشکل نیازمندی رفع شود. سال ۹۰ او را داماد کردیم و همسرش برای اعزام او به سوریه رضایت داده بود، اما من و پدرش خبر نداشتیم.» به گفته مادرش، زمانی که خبر شهادت برادران شهید بختی را شنید، خود را به آب و آتش زد که به سوریه برود تا آنجا که برای پیوستن به تیپ فاطمیون و شرکت در نبرد حق علیه باطل، به برخی برادران افغانستانی پول

مادر و پدر شهید محمد سخندان تا یک روز قبل از اعزام پسرشان به سوریه، خبر نداشتند. مادر ابتدا حرف هایش را باور نمی کرد و سعی می کرد او را از رفتن منصرف کند. می گفت هر زمان ایران جنگ شد به جبهه برو، اما پسرش در پاسخ می گفت اکنون خط مقدم آنجاست. محمد هفتم مهر ۹۴ به سوریه اعزام می شود و یک ماه بعد، یعنی ۱۵ آبان، به شهادت می رسد. مریم سالخورده، مادر شهید، به یاد دارد محمد از زمانی که به سن تکلیف می رسد، هیچ گاه نماز و روزه اش ترک نمی شود. پسرش استاد کونگ فو بود و هم زمان در رشته مهندسی مکانیک در سبزوار درس می خواند. محمد از کودکی دوست داشت مادر کنارش بنشیند و برایش از حضرت زهرا (س)، امام حسین (ع)، امام علی (ع) و ائمه دیگر



عکس: سانا صفائی / شهر بانو

گفت‌وگو با راضیه اعتصامی که فرآوری چرم را از خانه‌اش شروع کرد و سرانجام کالاهایش به کشورهای دیگر رسیدند

از تولید در کنج خانه تا صادرات به آن سوی دنیا

کم نیستند کسب‌وکارهای خانگی که از تولید خرد در خانه به تولید انبوه در کارگاه‌ها رسیده‌اند و حتی محصولات آن‌ها پا را از مرز هم فراتر گذاشته است. طبق آمار و ارقام، حدود ۳ میلیون صنعتگر ایرانی در ۳۰۰ رشته مختلف صنایع دستی فعالیت می‌کنند و طبیعی است بخشی از این آمار مربوط به مشهد است. راضیه اعتصامی از کودکی می‌خواست است با یادگیری مهارت‌ها و هنرهای مختلف، زودتر مسیر زندگی‌اش را مشخص کند. سرانجام به دلیل علاقه‌اش به هنر اصیل ایرانی و کار دست، حرفه چرم‌دوزی را انتخاب می‌کند. ابتدا اتاق خواب خانه‌اش را به کارگاهی بدل می‌کند که صفر تا صد محصولات چرمی‌اش در آن آماده می‌شود. امروزه تنها کارگاهش از یک اتاق به یک طبقه رسیده است بلکه محصولات او به امارات، لهستان، ژاپن، انگلیس و... رسیده و کیفیت کارهایش زبانزد آن‌هاست.



سعیده آل ابراهیم

کار چندانی در انتظار آن‌ها نبود و پیگیرشان نمی‌شد. دست تقدیر حتی در اوج کلافگی‌ها او را به سمت طراحی و دوخت محصولات چرم دست‌دوز می‌کشاند. «در راهنمایی، واحد حرفه و فن داشتیم و به یاد دارم که معلم هر هنری می‌خواست به من یاد بدهد بلد بودم. به همین دلیل، پولک‌دوزی برجسته به من آموزش داد یا زمانی که برای ثبت‌نام کلاس شیرینی‌پزی رفتیم، آن‌قدر کوچک بودم که از مادرم تعهد گرفتند زیرا ممکن بود دستم را بسوزانم. در دوره دبیرستان به بعد، برای آموزش این هنرها چند شاگرد داشتم و درآمد کمی هم به دست می‌آوردم. برای یکی دو تالار هم شمع درست می‌کردم.»

در این کارگاه، اعتصامی، خواهر، برادر و همسرش و یک خانم دیگر فعالیت می‌کنند. مراحل کار را میان خودشان تقسیم کرده‌اند، اما او نیز پایه‌پای آن‌ها کار می‌کند. گاهی که کار زیاد است، بیشتر روزشان را کار می‌کنند. از ۷ صبح تا پاسی از شب چرم‌ها را برش می‌زنند و می‌دوزند تا سفارش‌ها را آماده کنند. به دلیل همین حجم کار، بارها با وجود پیگیری مافرصتی برای مصاحبه پیدا نمی‌کرد. خستگی ناشی از حجم کار در چهره‌اش پیداست، اما می‌توانم حس کنم به دلیل انگیزه و شوقی که دارد، این خستگی را به جان می‌خورد.

از دبیرستان با آموزش هنر، درآمد داشتیم

او از زمانی که دبستان بود، انواع و اقسام هنر را در دوره‌های سازمان فنی و حرفه‌ای یاد گرفت، از هنر آلمانی اوکشی بافی تا گل‌دوزی، گل‌سازی، خیاطی، معرق‌کاری، شیرینی‌پزی، شمع‌سازی و... اما انگار هیچ کدام از این هنرها را پاگیر نمی‌کرد. علاقه و اشتیاق داشت، اما بازار

زمانی که از زیستن در مرز باریک میان کار و زندگی صحبت می‌کنیم، مصداقی مانند اعتصامی موردنظرمان است که کار و زندگی‌اش به فاصله چند پله از هم جدا شده‌اند. او هیچ ساعت کار مشخصی ندارد و تا جایی که توان داشته باشد در کارگاه می‌ماند. طبقه پایین خانه‌شان کارگاه است و از همان ابتدای ورودی، قفسه‌های پر از پوست‌های چرم متفاوت و طبیعی، از پوست گاو گرفته تا شترمرغ، لایه لایه روی هم چیده شده است. باید با کفش وارد این کارگاه شد زیرا ممکن است در حال کار، تیغ از دست‌شان به زمین بیفتد و خطر ساز شود. دستگاه برش کاری، پرس و دوخت در اتاق قرار دارد و روی قفسه‌ها انواع کیف‌های رودوشی بزرگ و کوچک، کفش و محصولات دیگر این کارگاه به نمایش گذاشته شده است. خانوادگی کار می‌کنند و این نکته مثبتی است زیرا کمابیش مسائل کاری پیش می‌آید و مدیریت اینکه حوزه کاری ارتباط خانوادگی را تیره و تار نکند، شاید کار سختی باشد.



طراحی نقوش قدیمی روی کیف و کفش چرم

متولد سال ۵۹ است. دیپلم انسانی و فوق دیپلم فیلم‌سازی با گرایش عکاسی و فیلم‌برداری می‌خواند. دایره علاقه‌اش به رشته‌های متفاوت زیاد بود. به همین دلیل، برای تحصیل، رشته گرافیک را آن هم در دانشگاه بندرانزلی انتخاب

می کند. برای پیشرفت در این رشته باید بیش از هم کلاسی هایش که از ابتدا این رشته را انتخاب کرده بودند و آشنایی داشتند تلاش می کرد. هر روز از ۷ صبح تا ۸ شب در دانشگاه می ماند و آخرین نفر بیرون می آمد. «آن قدر کلاس هایمان فشرده بود که گاهی وقت نمی کردم دست هایم را که از زغال سیاه شده بود بشویم. ضمن اینکه برای رفت و برگشت به دانشگاه خیلی اذیت می شدم زیرا با اتوبوس ۱۸ ساعت راه بود. همیشه دوست داشتم کاری را هر قدر هم سخت باشد انجام بدهم تا نتیجه بهتری بگیرم. به همین دلیل، موضوع پایان نامه ام را طراحی روی کیف و کفش با استفاده از نقوش قدیمی ایرانی انتخاب کردم.»

فرزند سوم خانواده بود و از کودکی برعکس بیشتر بچه ها وابسته پدر و مادر نبود. این ویژگی او تا بزرگسالی نیز ادامه می یابد. خانواده اش می دانستند می تواند گلیمش را از آب بیرون بکشد و به او اعتماد می کردند. بنابراین مخالفتی با تحصیل او در شهر دیگر و بعد مسافت نداشتند. «دانشجویان دیگر از روی کتاب ها پایان نامه شان را می نوشتند، اما من می خواستم طراحی کنم و کارم سخت بود. حتی زمانی که در اتوبوس و در راه برگشت به مشهد بودم، وقتی همه خواب بودند، من با لپ تاپ روی طرح کار می کردم. آن طرح را روی یک کفش پیاده کردم و استاد من قدر پسندید که کفش را برای خودش برداشت.»

✚ کارگاه خانگی تولیدات چرمی

اعتصامی بعد از پایان کلاس های دانشگاه به سراغ دوره های طراحی و دوخت کیف و کفش چرم می رود. به اندازه ای کلاس های متفاوت رفته بود که مربیان به او می گفتند خانه اولش سازمان فنی و حرفه ای و در مرحله بعد خانه خودش است! آن زمان که کلاس ها را می گذراند، نمی دانست بازار کار این هنر خوب است، اما در پایان دوره که نمایشگاهی برگزار کردند، برای کارهایش مشتری پیدا شد و آن ها را فروخت. «با ۲ نفر از هم دوره ای ها تصمیم گرفتیم برای خودمان کار کنیم. اتاقم را در خانه مان به کارگاه تبدیل کردم و آن ها به خانه ما می آمدند. کارمان سخت تر بود زیرا آن موقع به غیر از دستگاه برش، دستگاه دیگری نداشتیم. به همین دلیل، نمی توانستیم مارک بزیم یا امکان نازک سازی چرم را نداشتیم و هر زمان مشتری می خواست، با لیزر برایش مارک می زدیم. هر بار خرید می رفتیم، طاقه های سنگین چرم را زیر بغل می زدیم و حتی با اتوبوس رفت و آمد می کردیم تا هزینه کمتری بپردازیم. بعد از برش چرم ها، هر کدام در خانه هایمان می دوختیم. برای فروش محصولات نیز کار را به فروشندگان عرضه می کردیم یا اگر نمایشگاهی بود شرکت می کردیم.»

همکاران او به مرور می خواستند چرم دوزی را کنار بگذارند و سرمایه ای نیز نداشتند اما اعتصامی کار را رها نکرد و با همراهی خواهر کوچک و برادرش که آن زمان سرباز بود و شغلی نداشت، ادامه می دهد. با اینکه از نظر مالی اوضاع خوبی داشتند، پدرش کار تأسیسات انجام می داد و مادرش خانه دار بود، خودش دوست داشت کار کند و درآمد مستقل داشته باشد. «وقتی می بینم کسی وقتش را به بطالت می گذراند، می گویم باید در زندگی هدف داشته باشد و کار کند. آن زمان، برادرم برای برش کاری و خرید و فروش چرم کمک می کرد. اوایل مشتری ها از طریق نمایشگاه هایی که شرکت می کردیم با ما ارتباط می گرفتند و طبق سفارش آن ها کار می کردیم. هر بار مشتری می آمد، برای مشاهده نمونه کارها باید او را خانه مان می بردیم. به همین دلیل، طبقه پایین خانه را به عنوان کارگاه انتخاب کردیم.»

✚ شروع صادرات بعد از یک اتفاق

سال ۹۰ کار را شروع می کنند و دو سه سالی طول می کشد تا کارشان روی روال بیفتد. بعد از این مدت، اعتصامی در گیر و دار پیگیری برای دریافت وام بیست میلیون تومانی از سوی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی به بانک می رود و با فردی آشنا می شود که برای امارات به او سفارش کار می دهد. «به یاد دارم برای وام به من گفته بودند به ازای هر نیروی کار، ۵ میلیون تومان می دهند، اما زمانی که متوجه شدند یکی دو نفر از اعضای خانواده ام نیز سر کار هستند، گفتند باید فرد غریبه ای را جایگزین کنم تا مبلغ وام تعلق بگیرد. کلافه از بانک بیرون می آمدم و فردی که صحبت هایم را درباره چرم دوزی شنیده بود، درخواست همکاری و صادرات تولیدات به امارات را داد.»

برای این کارگاه، تولید یک کیف رودوشی با سایز کوچک تنها یک روز طول می کشد، اما مراحل کار شامل برش، چسب کاری، دوخت و... است که زمان می برد. به همین دلیل، زمانی که سفارش ها زیاد باشد از نیروهای دیگری نیز به صورت موقت کمک می گیرند. «این حرفه طوری است که فرد باید در آن ماهر باشد تا از پس کار بر بیاید. به همین دلیل، نیروی ماهر می خواهیم زیرا وقتی برای آموزش به آن ها نداریم در حالی که برندمان را ثبت کرده ایم

و از طریق فعالیت در شبکه های مجازی، از سراسر کشور سفارش عمده یا تکی داریم. تولیدات ما نیز کیف، کفش، پوشه چرمی، جافلا سکی، بند نگه دارنده ماسک و... است.»

باور دارد همه هنرهایی که در سال های قبل یاد می گیرد، به شغلی که امروز دارد کمک می کند زیرا هنرهای مختلف به هم متصل اند. می گوید کار دست برای او جذاب است زیرا پشت صحنه آن هنر و فکری قرار دارد. «هر کاری را که آماده می کنم و با تک تک کوک هایی که می زنم، در دلم به این فکر می کنم که این کیف برای کسی که آن را می خرد خیر و خوبی به همراه داشته باشد.»

✚ ایجاد انگیزه برای اشتغال زایی

اعتصامی علاوه بر اشتغال زایی که برای خود و چند نفر دیگر داشته است، برای یکی دیگر از خواهرانش نیز انگیزه ایجاد می کند تا به این شغل روی بیاورد. «خواهرم و همسرش در کاشمر زندگی می کنند و گاوداری داشتند. شغل خیلی سختی بود. به همین دلیل، به او پیشنهاد دادم دوخت کیف و کفش چرمی را آموزش ببیند و در همان شهرستان شروع به کار کند. او هم با وجود بچه های کوچک برایش سخت بود، اما آموزش دید و در خانه شروع به کار کرد. حالا به جایی رسیده اند که گاوداری را فروخته اند و هر دو در کنار هم این کار را انجام می دهند. ضمن اینکه چند نفر نیز از این طریق سر سفره هایشان نان می برند. هر زمان نیز ما سفارش هایمان زیاد باشد، بخشی از کار را قبول می کنند.»

محصولات این کارگاه تمیز و با ظرافت زیادی کار شده اند. همین موضوع برخی را به اشتباه می اندازد که نکند با دستگاه درست شده اند و به جای کار دست به بازار عرضه می شود. اعتصامی سال ۹۶ گواهی کیفیت کالا را از اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی دریافت می کند و عنوان غرفه برتر را در نمایشگاهی که در آن شرکت کرده بود به دست می آورد. «یک سال محصولاتمان را برای انتخاب نشان ملی در میان تولیدات برتر فرستادیم. کسی که برای تأیید آثار آمده بود، می گفت امکان ندارد این تولیدات کار دست باشد. اداره میراث فرهنگی و صنایع دستی نیز نتوانسته بود این فرد را قانع کند! در نهایت کاری برگزیده شد که کوک های خیلی بزرگی روی آن زده بودند زیرا تصور می کردند نمی شود کار دست تمیز و منظم باشد.»

✚ چرم دوزی هنر پرخرجی است

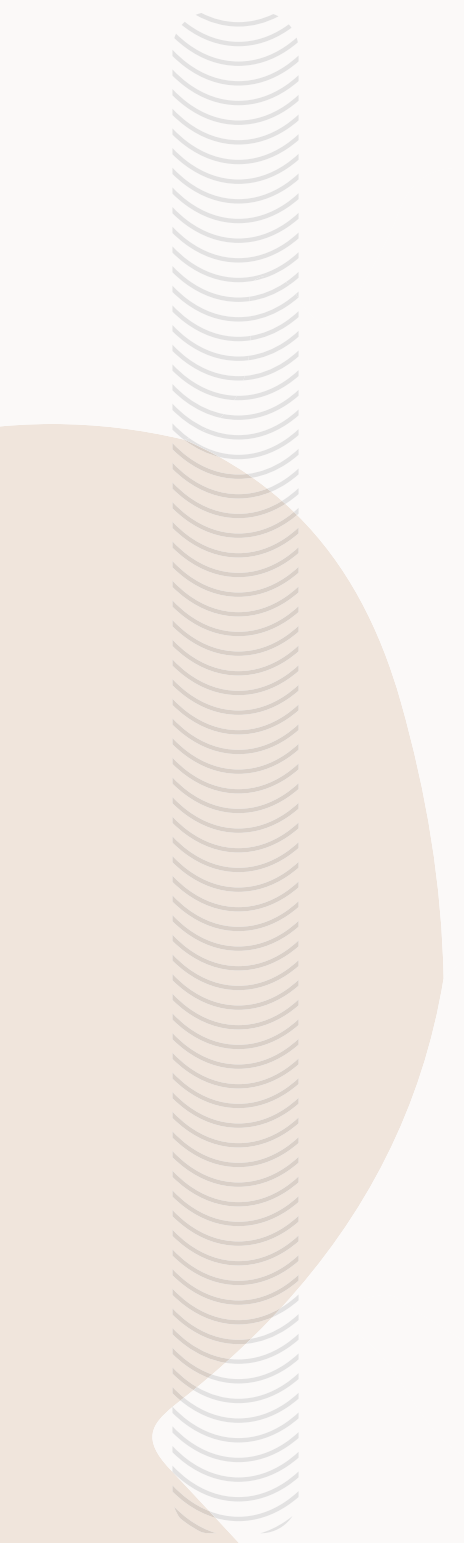
اعتصامی تا کنون تنها از یک وام حمایتی به مبلغ ۲۰ میلیون تومان استفاده کرده است و به گفته خودش، پیشنهاد وام های مختلفی به او می دادند، اما فرایند آن به اندازه ای سخت و طولانی بود که پشیمان می شد. این در حالی است که چرم دوزی هنر پرخرجی محسوب می شود. «اگر سال ۹۰ یک طاقه چرم گاو را با ۲۰ هزار تومان خریداری می کردم، اکنون قیمت آن به ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. ضمن اینکه ابزار کار و مواد اولیه آن گران است. در حال حاضر، از چرم تولید کشور خودمان استفاده می کنیم زیرا ایران از بهترین تولیدکنندگان چرم است و حتی با چرم ایتالیا برابری می کند. برنامه مان برای توسعه کار این است که ضمن حفظ کیفیت، با کشورهای بیشتری کار کنیم تا همه بدانند ایران علاوه بر اینکه جزو بهترین تولیدکنندگان چرم است، در حوزه تولید محصولات چرمی نیز حرفی برای گفتن دارد.»

✚ شروع کسب و کار چرم دوزی با ۱۰۰ میلیون تومان

اعتصامی نیز اعتماد به نفس خود را با حمایت خانواده اش تقویت می کرد. «از همان ابتدا، هر بار کاری تولید می کردم، تعریف می کردند و حتی از نظر مالی من را تأمین می کردند زیرا تا مدتی درآمد نداشتیم. اگر بانوان دیگری می خواهند این کار را شروع کنند، باید حمایت خانواده را داشته باشند. ضمن اینکه برای شروع فعالیت در این حرفه، بدون دستگاه ها، دست کم به ۱۰۰ میلیون تومان سرمایه نیاز است.»

✚ کیفیت نامناسب تولیدات چرم در بازار

او به عنوان تولیدکننده ای که سال هاست زیر و بم محصولات چرمی را می شناسد و آن ها را ارزشیابی کرده است، کیفیت تولیدات چرم موجود در بازار را نامناسب می داند. «دلیل این موضوع به گرانی چرم برمی گردد. تولیدکنندگان هم برای اینکه کار توجیه اقتصادی داشته باشد، از کیفیت آن کم می کنند. چنین تولیدکنندگانی معتقدند مردم دنبال جنس ارزان می گردند. آن ها نیز این محصولات را عرضه می کنند، اما همان کیف یا کفش در عرض یک یا ۲ ماه خراب می شود. کسانی که دنبال جنس خوب هستند، از محصولات ما استقبال می کنند. همیشه جنس با کیفیت به مشتری تحویل می دهیم تا خود مشتری برند ما را به دیگران معرفی کند.»





مسئولیت اجتماعی حق زن است

نشست تخصصی مبنا با موضوع «مادری»، همسری یا مسئولیت اجتماعی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب» برگزار شد

نشست تخصصی مبنا با موضوع «مادری»، همسری یا مسئولیت اجتماعی در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به همت دفتر نمایندگی حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در مشهد برگزار شد. در این نشست مجازی، دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، به عنوان سخنران به بیان دیدگاه‌هایش پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

خدا، اصل، بنیان و اساس تعبیر شده است. مادر یعنی ریشه و اساس و پایه یک خانواده، موجودی که چهارچوب خانواده و ستون خیمه خانواده است. اگر در این ستون به وظایفش عمل نکند، خانواده دیگر خانواده نخواهد بود.

➤ زنان شهروندانی منفعل و مهجور

افلاطون، فیلسوف بزرگ یونان، ۳۴۸ سال قبل از میلاد مسیح فوت کرد. این فرد فلسفه‌شناس در کتاب «قوانین» معتقد است حاکمیت قانون بر نهاد خانواده باید به گونه‌ای مسلط شود که وظایف افراد را مشخص کند. در این هرم زنان در قاعده آن قرار گرفته‌اند. زنان فضیلت‌پذیر نیستند. حکمت‌پذیر نیستند. لذا حاکمیت قانون باید بر سر خانواده باشد. حتی همین الان خیلی از فلاسفه مبتنی بر فلسفه افلاطونی عمل می‌کنند و می‌گویند: زن‌ها فضیلت‌پذیر نیستند و فقط باید کالایی باشند برای مردان. وقتی دیدگاه افلاطون را می‌خوانیم و بعد کنوانسیون رفع

➤ تکرار واژه «مادری» ۲۰ مرتبه در قرآن

وقتی از مسئله مسئولیت اجتماعی زن سخن به میان می‌آید، متأسفانه اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود بحث اشتغال زنان است. این مسئولیت‌پذیری با اشتغال ۲ مقوله کاملاً جدا هستند. شغل به معنای پیشه، سرگرمی و فعل و عملی است که فعالیت خاصی را در بر می‌گیرد و برای آن یک بنگاه یا یک سازمان قلمرو عملکردی تعریف می‌کند. اشتغال به معنای تولید خدمات همراه با درآمد است در حالی که کار ممکن است به این شکل نباشد و انجام فعالیت معین و منضبط و دریافت مزد از ویژگی‌های شغل در نظام اقتصادی اسلامی و دین ماست. مسئولیت اجتماعی و مفهوم اجتماعی اشتغال و مسئولیت در کنار مادری در غرب چگونه تبیین شده است؟ واژه «مادری» در شبکه معنایی قرآن کریم ۲۰ مرتبه تکرار شده و عناوین و زیرمجموعه‌هایی دارد که به نوعی، مادر یک فرزند بودن، مادر رضاعی، همسر رسول

را بی‌حجابی، عریان بودن و... بیان می‌کند. همراه با تئوری اشتغال زنان و با کلمه «توانمندسازی» زنان می‌آید و آن را نهادینه می‌کند. معتقد است برای اینکه زنان از مادری و همسری آزاد شوند، باید همه وقت خود را به اشتغال در جامعه بگذرانند.

به اعتقاد این خانم، زنان مالک بدن خود هستند و مرد حق ندارد مطالبه چنین کند و زنان می‌توانند روابط آزاد داشته باشند و می‌توانند چنین خود را سقط کنند. یعنی نتیجه خروج زنان از خانواده تبدیل می‌شود به خانواده‌ستیزی و شکل‌گیری خانواده‌های نامتعارف در حالی که زن مسئولیت‌پذیر، کدبانو، همسر و زن در نقش مادر بنیاد خانواده است به این معنا که در منظومه فکری آن‌ها همسری و مادری هدفمند تعریف شده است. کارکرد خانواده مسئولیت اجتماعی پذیرفتن است و این خانم در نهاد خانواده مجاز است هم مسئولیت فردی و هم مسئولیت اجتماعی بپذیرد.

➤ مسئولیت‌پذیری در خانواده یک مسئولیت اجتماعی

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، حتی مسئولیت‌پذیری در خانواده یک مسئولیت فردی نیست بلکه یک مسئولیت اجتماعی است و یکی از دلایل افزایش سن ازدواج در ایران اسلامی و خیلی از کشورهای مسلمان، همین القای لیبرالیسم

تبعیض علیه زنان را می‌بینیم، در ابتدای همه مواد قانونی آمده است باید دول عضو همه چنین کنند. یعنی حاکمیت و زیرساخت‌های مبتنی بر قانون است، نه بر حسب فکر و عقل زوجین.

بسیاری از فیلسوفان غربی چون کانت معتقدند زنان شهروند منفعل‌اند. مهجوران نیز شهروند منفعل‌اند و از حقوق اساسی برخوردار نیستند. یعنی حق برخورداری از حقوق اولیه زندگی را ندارند. در جامعه‌ای که فیلسوفش معتقد است اصلاً زن عقل و تدبیری ندارد، امروز دم از مشارکت اجتماعی و طراحی مسائل زیرساختی برای ریاست جمهوری زنان می‌زنند و متأسفانه در زیرساخت‌های فکری کانت، این را ملاحظه می‌کنیم.

➤ رهبر فمینیست‌های عالم: زنان باید به‌زور حق خود را از مردان بگیرند

خانم سیمون دوبوار، رهبر فمینیست‌های عالم، معتقد است زنان باید به‌زور حق خود را از مردان بگیرند و برای این کار، باید یک قلم قرمز روی ازدواج و مادری بکشند و تا زمانی که مفهوم مادری، تعهد، وفاداری و خدمت به خانواده در کتاب‌ها بیان می‌شود، آزادی برای زنان تحقق نمی‌یابد. اشرف پهلوی در سال ۱۳۲۰ با الهام از این فمینیست غربی سازمان فمینیستی را تأسیس می‌کند و شرط ورود زنان



روایتی از زنان مسلمان در تاریخ ایران

اشرف الملوک فخرالدوله؛ فخر زنان قاجار

مظفرالدین شاه قاجار و همسرش، سرورالسلطنه، در سال ۱۲۶۱ خورشیدی صاحب دختری شدند. نام دختر را اشرف الملوک گذاشتند. او در تبریز زاده شد. دختر شاه قاجار بودن باعث شد خواستگاران زیادی خواهان ازدواج با اشرف الملوک باشند، اما به خواست شاه، چون به چهارده سالگی رسید، به همسری محسن خان امین الملک درآمد. محسن خان فرزند علی خان امین الدوله از خانواده‌های سرشناس عصر قاجاری بود که خود نیز بعدها لقب پدر (امین الدوله) را گرفت. اشرف الملوک ملقب به فخرالدوله شد. این ازدواج رنجش افرادی را به همراه داشت و فرجام آن شد که کینه محسن خان امین الدوله در دل برخی ریشه دواند که بعدها موجبات عزل او و پدرش از مقامشان شدند. آن زمان هر صدراعظمی را که از صدارت عزل می‌کردند یا به قتل می‌رساندند یا تبعید می‌کردند. چون شوهر و پدرشوهر اشرف الملوک از مقام عزل می‌شوند، به او اطلاع می‌دهند که احتمالاً آن ۲ را از قزوین به تبریز منتقل کنند و جان‌شان در خطر باشد. اشرف الملوک بی‌درنگ خود را به آن‌ها می‌رساند و فردای آن روز، دستوری از شاه صادر می‌شود که اشرف الملوک باید به تهران برگردد. اما بانو در کنار همسر می‌ماند و قاصدهای پی‌درپی هم نمی‌توانند بانو را از همسر دور کنند. در نهایت، شاه و درباریان تسلیم خواست اشرف الملوک شدند و بانو و خانواده برای سکونت در املاک شخصی خود به رشت رفتند. اشرف الملوک و محسن خان امین الدوله صاحب فرزندی با نام‌های حسین، غلامحسین، محمود، علی، احمد، ابوالقاسم، رضا و معصومه شدند.

حکومت قاجار چون به محمدعلی شاه قاجار رسید، با خاندان محسن خان سر ستیز برداشت. حوادث چنان پیش رفت که محسن خان گوشه‌انزو و برگزید. فخرالدوله چون شوهر خویش را چنین گوشه‌گیر دید، تصمیم گرفت خود زندگی را اداره و از خانواده‌اش محافظت کند. در کودتای ۱۲۹۹ چند نفر ادعای حق بر زمین‌های امین الدوله کردند و کار به نزاع کشید. فخرالدوله برای آرامش خانواده‌اش، شوهر و فرزندان را به قم برد و در نزدیکی حرم حضرت معصومه (س) خانه‌ای اختیار کرد. بعد از آن خود به تهران رفت تا با سردار سپه ملاقات و از حق خود دفاع کند. به این ترتیب، توانست املاک شوهرش را در رشت پس گیرد.

اشرف الملوک فخرالدوله پس از مدتی در تهران اولین مؤسسه تاکسی‌رانی را بنا نهاد. بانو فخرالدوله انسانی باذکاوت بود. قصد داشت یک مؤسسه بورس ملی در آن دوره تأسیس کند اما شرایط برای انجام این کار فراهم نبود. کارهای او در کنار همت و نوع بینش وی موجبات آن را فراهم آورد تا از سوی رجال حکومتی زمان خویشتن تحسین شود.

همان‌طور که به خانواده خویش مهر می‌ورزید، دست نوازشگر بر سر فرزندان یتیم نیز داشت. سرپرستی چند فرزند یتیم را بر عهده گرفت و شرایط تحصیل را برای آنان فراهم کرد. مسجدی به نام فخرالدوله در نزدیکی خانه‌اش در سال ۱۳۲۸ ساخت. در اواخر عمر، بانو فخرالدوله پسرش حسین امینی را از دست داد و در داغ فرزند روزها و شب‌های طولانی سوگاری کرد به طوری که اندوه از دست دادن پاره تن باعث شد تنهایی را به مرادوات اجتماعی ترجیح دهد. از آن پس، زندگی برایش مفهومی دیگر گرفت به طوری که در آخرین سفرش به عتبات عالیات، برای خود آرامگاهی در نجف خریداری کرد اما در لحظاتی که مرگ را بیش از همیشه به خود نزدیک دیده بود، به اطرافیان وصیت کرده بود او را در کنار فرزندش در قبرستان ابن بابویه ری دفن کنند. سرانجام بانو در سال ۱۳۳۴ بر اثر سکته قلبی درگذشت.



غربی است. امروز با یک جست‌وجوی ساده می‌بینید به جای یک ازدواج ساده و موفق، ازدواج با خود، ازدواج با حیوانات، ازدواج با اشیاء و... را طراحی می‌کنند و چقدر انسان باید خود را شناسد که با برج ایفل، با سگش و... ازدواج کند. وقتی در جامعه غربی برای زن استقلال هویتی وجود ندارد، زن موجودی وابسته است و حق حیات ندارد، انتظار دارید چگونه خانواده شکل بگیرد؟ امروز در موج چهارم فمینیست می‌گویند زن ازدواج کند و فرزند هم بیاورد اما ۲ روز در هفته باید آزاد باشد و مرد حق اعتراض ندارد.

✚ زن، رکن تصمیم‌سازی در خانواده

اساس خانواده مبتنی بر استحکام است. در اسلام، خانواده یک میثاق است. یعنی پیمان با شوهر یک پیمان ناگسستنی از باب الزام حقوقی و شرعی به تعهد است. برای مرد هم همین است. باید ببینیم خداوند متعال زن را چگونه ترسیم می‌کند. زن به تعبیر رهبر معظم انقلاب، رکن رکن تصمیم‌سازی در خانواده هستند. یعنی مدیریت سیاست‌گذاری دارند و برای یک تصمیم بزرگ زمینه‌سازی می‌کنند. مهم‌ترین شغل برای زنان همسر داری و حفظ خانواده و تربیت فرزند است. معظم له می‌فرمایند: بعضی‌ها می‌پرسند: شما موافقید زن‌ها سر کار بروند؟ می‌گوییم البته زن باید کار کند. کار ۲ جور است: کار داخل خانه و کار بیرون خانه. اگر کسی استعداد دارد، کار بیرون از خانه هم انجام دهد و...

در حوزه مسئولیت اجتماعی زنان و رسالت همسری و مادری، تحولات بنیادینی که غرب با عناوین مختلف چون هنر، اقتصاد و اشتغال فمینیستی به خورد جوامع داد، موجب شد زنان حتی فرصت رسیدگی به سلامت خود را نداشته باشند و این واقعیتی است که زنان در ۲ دهه اخیر این قدر مسیر کارخانه و اداره را طی کردند که مسیر خانه خود را گم کردند.

✚ مشارکت اجتماعی یک مطالبه برحق

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب مشارکت اجتماعی یک مطالبه برحق است و حتی مردان بعد از ازدواج اجازه سلب این حق را ندارند اما این حق باید ناظر بر ادای سایر حقوق باشد. یکی از اتفاقاتی که در جمهوری اسلامی افتاد این بود که امام فرمود: زنان انسان‌ساز هستند. زنان باید رشد کنند. دانشگاه‌ها نماد علم هستند اما گاهی اهل خانه خودشان را از فضای جامعه دور می‌کنند. نظام آموزشی ما بستری برای فرار دختران از خانه شده است. تأثیرپذیری نظام آموزشی ما از نظام آموزشی سکولار این اتفاق را رقم زده است. در تربیت سکولار، زن باید اساس تعالی خانواده را از مغزش خارج کند. اول باید به خودش و هستی خودش بپردازد. به تعبیر قرآن، ذات انسانی زن و مرد برابر است اما در بسیاری از موارد با یکدیگر تفاوت دارند. هرکه عمل صالح انجام دهد برتر است. عمل صالح عمل پایدار است. نمره ۲۰ دارد و جنسیت پذیر نیست. در ۱۰ مؤلفه انسان کامل که در قرآن کریم ذکر شده است، مسئولیت اجتماعی نهفته است و خداوند ضمیر مؤنث و مذکر را با هم آورده است.

✚ به خانواده به عنوان قرارداد سرمایه‌ای نگاه نکنیم

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب در بیانات متعدد بارها با واژگانی چون رسالت مادری، همسری، مسئولیت اجتماعی، الگوی زنان، زن طراز و... مواجه می‌شویم. در واقع، خانه‌داری شغلی آینده‌ساز است و امیدواریم مسئولان جمهوری اسلامی خانه‌داری را یک شغل بشناسند و از همه مهم‌تر، حتی ویژگی‌های شغل زنان شاغل هم با بیانات معظم له هم خوانی ندارد: مثلاً اشتغال تمام‌وقت برای بانوان. با توجه به این منظومه فکری، سقف کار بانوان در جامعه حداکثر باید ۳۰ ساعت باشد ولی باید حقوق کامل به آن‌ها داده شود تا برای رفع نیاز مجبور به ایفای شغل دیگری نشوند. این مسئله مهمی است که اگر به خانواده به عنوان قرارداد سرمایه‌ای نگاه کنیم، استحکام نخواهد داشت. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: نباید نگاه افراطی و تفریطی به شغل بانوان داشته باشیم. مدیریت درآمدزایی به خود زن و همسر زن برمی‌گردد. از منظر معظم له، خانواده کلمه‌ای طیبیه است، کلمه طیبیه‌ای که وقتی به وجود آمد برکت تراوش کرد. اگر بستر خانواده را با درستی پایه‌گذاری کنیم، آن خانواده پاک است و اگر بنای خانواده بر دورنگی باشد، گل خانواده خبثت می‌شود. اسلام، شریعت و منظومه فکری رهبر معظم انقلاب مسئولیت اجتماعی را حق زن می‌داند و زن می‌تواند با یک ازدواج سالم، به حقوق خود دست یابد.



دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

مهریه ثبت شده در سند ازدواج را چه در عقد دائم چه در عقد موقت نمی توان تغییر داد.

+ **طلاهای زن متعلق به خودش است یا متعلق به خانواده؟**

اگر طلاها به عنوان هدیه به زن هدیه داده شده باشد، مالکیت آن به زن تعلق دارد و زن می تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن کند اما اگر هدیه نباشد، مرد می تواند برای نمونه هنگام طلاق ادعا کند طلاها امانت بوده، نه هدیه، و طلاها را مسترد کند. البته اثبات چنین ادعاهایی با توجه به اینکه عرف نظر به هدیه بودن طلا به زن دارد، دشوار و تا اندازه ای بعید است.

باید دید وجود ۲ شناسنامه مربوط به خطای ثبت احوال است یا جعل زوج. در صورتی که اشتباه از سوی ثبت احوال صورت گرفته باشد، روند اداری برای اصلاح آن انجام خواهد شد و در صورتی که یکی از شناسنامه ها جعلی باشد، آن شناسنامه باطل و باید علاوه بر مجازات فرد جاعل، به اصلاح اطلاعات شناسنامه اقدام کرد که در نهایت، بتوان نام فرزند را در آن ثبت کرد.

+ **آیا مهریه غیر نقدی را می توان به نقدی تبدیل کرد؟ با گذشت چندین سال، چه حکمی صادر می شود؟**

امکان تبدیل و تغییر میزان و نوع مهریه ای که در عقدنامه تعیین شده است وجود ندارد اما طرفین می توانند در سند رسمی

جداگانه ای به این موضوع اقرار کنند که در عوض فلان مقدار سکه یا ... مهریه، فلان مقدار وجه نقد یا سکه یا ... دریافت کرده اند. این جایگزینی امکان پذیر خواهد بود اما به هیچ عنوان میزان

+ **در این ستون به پرسش های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می شود.**

مخاطبان گرامی می توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا با شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ **دختری سی و سه ساله و مجرد هستم. می خواستم برای حقوق بیمه پدرم اقدام کنم. در محل کار هنوز بیمه نشده ام. آیا این مسئله تاثیری بر بیمه شدن یا نشدنم دارد؟ سامانه ای برای این مورد وجود ندارد.**

در صورتی که بیمه از طریق کارفرما واریز شود، اطلاعات در سامانه تأمین اجتماعی وجود خواهد داشت و مستمری قطع می شود. در غیر این صورت، مستمری هم چنان واریز می شود.

+ **خواهر من با مردی ازدواج کرد که ۲ شناسنامه داشت. یک همسر و یک فرزند در یک شناسنامه اش ثبت شده بودند اما در شناسنامه دیگر چیزی ثبت نشده بود و با همان شناسنامه با خواهر من ازدواج کرد و ثبت رسمی شد. حال یک فرزند به دنیا آورده اند که ثبت احوال اجازه صدور شناسنامه نمی دهد. می گوید یک شناسنامه تقلبی بوده است. حالا تکلیف گرفتن شناسنامه برای نوزاد چه می شود؟**

ثبت نکاح از وظایف زوج است. در فرض سؤال،



شهربانو

۲شنبه
۶ دی ۱۴۰۰
۲۷ جمادی الاول ۱۴۲۲ شماره ۲۵۶

(۸)

شهرزاد

الهه نظری

فعال فرهنگی

این متن بخشی از کتاب «ساجی» به قلم بهناز ضرابی زاده نویسنده همدانی کتاب های پرمخاطب و پرفروش «دختر شینا» و «گلستان یازدهم» است. ضرابی زاده برای کتاب «ساجی» که به خاطرات نسرین باقرزاده، همسر سردار شهید بهمن باقری، می پردازد، حدود ۳ سال زمان صرف کرده، ۷۰ ساعت مصاحبه گرفته، چندین سفر به خرمشهر و آبادان داشته است و چند بار هم تصمیم به رها کردن نوشتن این اثر می گیرد. این کتاب روایت خانمی است که هرگز فکرش را هم نمی کرده است روزی جنگ وارد خانه اش شود! نگارش کتاب برای نویسنده از این جهت سخت بوده است که نسرین باقرزاده، همسر سردار شهید بهمن باقری، راوی کتاب، ساکن همدان نبوده و مؤلف از جغرافیا و فرهنگی که قرار بوده نگارش شود شناختی نداشته است. خاطرات نسرین باقرزاده بسیار پرحادثه، دارای شخصیت و اتفاقات گوناگون و فراز و فرودهای مختلف است و در نهایت، عشق زیبای او و سرانجام زندگی جذابیت فراوانی برای مخاطب دارد که در کتاب «ساجی» آمده است.

این کتاب از سال های کودکی خانم باقرزاده در خرمشهر آغاز می شود و تا زمان جنگ در این شهر ادامه دارد. باقرزاده چند روز ابتدایی جنگ را در خرمشهر سپری می کند اما در ادامه به ناچار مانند بسیاری دیگر از زنان به شهرهایی مانند شیراز، خرمشهر، قم، ماهشهر، آبادان و بوشهر می رود و مدتی در این شهرها سکونت دارد ولی باز در ادامه، به خوزستان برمی گردد و در کنار همسرش می ماند و بدون سلاح می خواهد از کیان و خانواده اش دفاع کند و راوی خاطراتی می شود که در کتاب «ساجی» بهناز ضرابی زاده می نگارد.

روزها و شرایط سختی را سپری می کند. بسیاری از اقوامش شهید می شوند. وقتی همه چیزش را از دست می دهد و در پایان به بازسازی خرمشهر امید دارد. خرمشهری بودن خانم باقرزاده و عشقی که در پی ازدواج ایشان و شهید باقری رخ می دهد باعث نگارش این کتاب به قلم ضرابی زاده می شود. رخ دادن جنگ، سقوط آبادان و خرمشهر سپس مقاومت آبادان و آزادی خرمشهر درخشان ترین خاطرات کتاب به شمار می روند. نام کتاب برگرفته از اسم یکی از شخصیت های آن است. در «ساجی» جنگ تحمیلی با نگاهی انسان دوستانه روایت می شود. این کتاب روایتگر سرگذشت یکی از زنان مقاوم و فعال در حوادث و اتفاقات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. «ساجی» تألیف بهناز ضرابی زاده در ۳۲۴ صفحه با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

«ساجی» روایتگر سرگذشت یکی از زنان مقاوم جنگ

شقایق‌ها ایستاده می‌میرند

+ «چقدر لاغر شده بود! سیاه و قدبلندتر، با موهای آشفته و ریش و سیبیل بلند، درب و داغان. از شادی گریه می کردم و دورش می چرخیدم. همه وجود بهمن خنده بود. ما دیوانه وار دست می زدیم و یکی می خواندیم: واویلا لیلی

سعید و حمید آن وسط بندری می رقصیدند. بهمن در حلقه ما گیر افتاده بود. می خندید و با شادی ما شاد بود و گاه برای دل نزار ما هم شده شانه هایش را می لرزاند. به من نگاه کرد. چشمان بادامی اش از شادی برق می زد. اشاره کرد همراهش برقصم. اشک هایم را پاک کردم. نمی خواستم این حال خوب را خراب کنم. الکی هردو دستم را در هوا تکان دادم. فروزان از پشت کتفم را گرفت و هلم داد در آغوش بهمن. صدای کف و سوت به هوارفت. بهمن آغوش باز کرد و من سر روی سینه اش گذاشتم.»



ساجی

• نویسنده: بهناز ضرابی زاده

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سید میثم موسوی مهر
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی